



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرين سیما بقیة الله فی الارضین.

خوشامد عرض میکنم به همه ی آقایان محترم، برادران عزیز از سراسر کشور، شاغلان در یک مرکز بسیار حسّاس و بسیار مهم ؛ و خوشحالم که بحمدالله بعد از چند سال - دو سه سال - بار دیگر این جمع را توانستیم از نزدیک زیارت کنیم. و به فال نیک میگیرم تقارن این جلسه را با ایّام متعلّق به اهل بیت ( علیهم السلام ) ؛ از عید غدیر گرفته تا روز مباهله و نزول سوره ی هل اتی و نزول آیه ی ولایت و این برکاتی که تقریباً در این روزهای در این هفته وجود داشته و دارد. و امیدواریم که ان شاءالله خداوند به برکت پیغمبر و اهل بیت پیغمبر ( علیهم الصلوة و السلام ) ما را در خطّ آنها، در راه آنها ثابت قدم بدارد، و ان شاءالله بتوانیم در آن [راه] حرکت کنیم.

روز مباهله روز بسیار مهمّی است ؛ روز مباهله، هم روز نبوّت است، هم روز ولایت است ؛ ماجرای مباهله، هم برهان بر نبوّت است، هم برهان بر ولایت و امامت است ؛ از این جهت خیلی مهم است این روز. و امیدواریم که ان شاءالله خداوند متعال ما را در این راه های مبارک ثابت قدم بدارد.

از جناب آقای حاج علی اکبری هم تشکر میکنم، هم به خاطر زحماتشان، هم به خاطر مطالبی که اینجا بیان کردند ؛ مطالب درست و خوبی است اینهایی که اینجا گفته شد.

من چند مطلب را آماده کرده ام، یادداشت کرده ام که عرض کنم به شماها برادران عزیز. یک مطلب در مورد جایگاه نماز جمعه است که خود ماها که امام جمعه هستیم اهمّیت این کار را بدانیم. وقتی انسان آگاه شد به اهمّیت یک شغلی، یک مسئولیتی، آن را بر دیگر کارها مقدّم میدارد و به جوانب و اطراف آن بیشتر میرسد ؛ هم خودمان بدانیم، هم دیگران بدانند ؛ صدا و سیما، مسئولین اینها را بگویند تا مردم بدانند که نماز جمعه صرفاً یک نماز جماعت در یک مسجدی نیست [بلکه] این یک پدیده ی بزرگ و مهمّی است در یک شهر که حالا من چند مورد از خصوصیاتش را عرض خواهم کرد. اولاً این را عرض میکنیم، بعد هم در این باره یک مقداری صحبت کنیم که فاصله ی نماز جمعه ی امروز ما با نماز جمعه ای که می بایست، چقدر است ؛ آیا فاصله ای وجود دارد یا ندارد که طبعاً فاصله دارد ؛ [اینکه] این فاصله را چه جوری پُر کنیم، این مهم است. خب بحمدالله نزدیک هزار یا نهصد و خرده ای امامت جمعه در کشور وجود دارد که این خیلی رقم مهمّی است ؛ در شهرهای بزرگ، کوچک ؛ و خب اینها بایستی بتواند کاری بکند کارستان! اگر نماز جمعه ی ما - آنچه امروز داریم - همان چیزی باشد که تعریف نماز جمعه است و توقع از نماز جمعه است، خب باید وضع یک قدری بهتر از این باشد ؛ یعنی اینکه تفاوت هایی باید داشته باشد. بنابراین این هم یک مسئله ی ما است که حالا من در خلال عرایض اینها را بیان میکنم و تلاش کنیم این فاصله پُر بشود. حالا این تلاش را چه کسی بکند؟ بخشی از این تلاش به عهده ی خود امام جمعه است ؛ خود امام جمعه که این تلاش را باید او بکند ؛ بخشی هم به عهده ی این مسئولین محترمی است که در مرکزیت سیاست گذاری و مدیریت جمعی امامت جمعه در تهران یا در مراکز دیگر حضور دارند.

اما در مورد جایگاه نماز جمعه، در یک کلمه من عرض کنم: نماز جمعه به خاطر خصوصیاتش که دارد، یک فریضه ی صد درصد استثنائی است ؛ ما شبیه نماز جمعه هیچ چیز نداریم. حج که خب یک مجموعه ی عظیمی است دیگر،



[اما] وقتی در عمق این نماز جمعه، در بطون کار نماز جمعه وارد میشویم، می بینیم با مجموع این خصوصیات حتی از حج [هم] استثنائی تر است. حالا من چند نمونه از این خصوصیات را عرض میکنم، شما فکر کنید، خصوصیات بیشتر پیدا میکنید؛ بخصوص که حالا خودتان با این فریضه مواجهید.

یک خصوصیت این است که دو عامل اساسی حیات طیبّه را نماز جمعه به هم وصل کرده، گره زده؛ این دو عامل چیست؟ یکی ذکرالله، یکی حضور مردمی؛ «فَلْتُحْيِيَهُ حَيَاةَ طَيِّبَةٍ» (۲) این حیات طیبّه حالا ارکانی دارد لکن جزو مهم ترین ارکانش این دو رکن است: یعنی یکی توجّه به خدا، رو به خدا کردن، آن جنبه‌ی به قول آقایان «یلى الربّی» (۳) مسئله، یکی هم حضور مردم و اجتماع مردم؛ این دو مورد در نماز جمعه جمع شده‌اند. البته در بعضی از واجبات دیگر و فرائض دیگر هم این هست اما حالا بقیه‌ی خصوصیات را وقتی با هم جمع میکنیم، می بینیم نماز جمعه استثنائی است. خب در نماز جمعه عرض کردیم این دو خصوصیت با هم وجود دارد؛ هم «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است، هم «فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» (۴) است. این، هم صلات است، هم جُمعه است؛ صلات، ذکر محض است، ذکر خالص است، جُمعه هم که اجتماع مردم است. یعنی این یکی از آن خصوصیات و شاید اولین خصوصیت ممتاز صلات جمعه است.

دوم اینکه این ذکر دسته جمعی موجب میشود که برکات و آثار ذکر بر دسته جمع نازل بشود. ذکر الله آثاری دارد که در قرآن به این آثار اشاره شده است: «إِلَّا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (۵) این گسترش پیدا میکند در مجموع نماز جمعه، وقتی همه با همدیگر ذکرالله میکنند. بنده یک وقتی در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۶) عرض کردم که حتی اعتصام بحبل الله هم جمیعاً باید باشد؛ «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» همه با هم اعتصام بحبل الله بکنیم؛ این اجتماع در اسلام یک چیز عجیبی است؛ نفس اجتماع و حضور مردمی یک چیز مهمی است، اینجا است که شما باید حسّاس باشید. اگر چنانچه نماز جمعه‌ی این هفته‌تان از نماز جمعه‌ی مثلاً یک ماه قبلتان جمعیت کمتری دارد باید احساس نگرانی کنید؛ اصلاً اساس کار، حضور مردم است. وقتی دسته جمعی ذکر گفتیم، آثار و برکات ذکر بر دسته جمع نازل میشود، بر جمع نازل میشود. در قرآن دارد: «فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (۷) این نفع، مال همه میشود. بله، شما تنهایی هم که خودتان نماز شب میخوانید در اتاق تنها، [به خاطر] آن هم خدای متعال به شما نفع میدهد اما اینجا این نفع، نفع عمومی است، همه‌ی مجموعه نفع میبرند. یا «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»؛ (۸) «اَذْكُرْكُمْ»، این عنایت ویژه‌ی الهی، مترتب است بر ذکر؛ اینجا ذکر، ذکر دسته جمعی است، پس آن عنایت هم مربوط به جمع میشود. یا «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۹) و آیات متعدّد دیگری که در قرآن هست که من حالا به همین اندازه توانستم به المعجم المفهرس مراجعه کنم، همین چند آیه فعلاً در ذهنم آمد و یادداشت کردم؛ [اگر] مراجعه کنید، آیات زیادی [در مورد] برکات ذکر وجود دارد. این هم یک خصوصیت: ذکر دسته جمعی و برکاتش.

خصوصیت بعدی استمرار این حادثه است؛ جلسه‌ی هفتگی. خب حج در عمر یک بار است – این جوری است دیگر – اما این هر هفته اتفاق می افتد؛ این خیلی مهم است. تا آنجایی که من اطلاع دارم و یک مقداری تفحص کردم، در هیچ آئینی، در هیچ جایی، اجتماع مّلاّبس (۱۰) با معنویت به صورت هفتگی وجود ندارد که مردم یک شهر یا جمع کثیری از مردم یک شهر، هر هفته یک جایی در یک مرکزی جمع بشوند و گرد هم بیایند؛ حالا محتوای آن گردهمایی چه باشد، مسئله‌ی بعدی است؛ این خیلی خصوصیت مهمی است. اینجا است که رجحان این، از این جهت حتی بر حج معلوم میشود؛ یعنی پشت سر هم، پی درپی، این هفته، هفته‌ی بعد، هفته‌ی بعد، هفته‌ی بعد تا آخر. خب، این همان مصداقی است از آنچه در دعای کمیل میخوانیم: «حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا» (۱۱) متصل؛ یک روز باشم یک روز نباشم نه؛ یک جا باشم یک جا نباشم نه؛ متصل در خدمت باشم؛ وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا. این اجتماع هفتگی این جوری است؛ این «حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا» را



خب وقتی یک چنین اجتماعی وجود دارد که هر هفته جمع کثیری از مردم یک شهر در یک جای معینی دور هم جمع میشوند، این میتواند یک پایگاهی باشد، یک قرارگاهی باشد برای همه‌ی موضوعات مهم و مطرح یک جامعه. وقتی بنا است همه جمع بشوند، خب افراد چیزی به ذهنشان می‌آید، حرفی به ذهنشان می‌آید، جامعه یک نیازی دارد، یک حادثه‌ای دارد؛ از مسائل فکری تا خدمات اجتماعی تا همکاری‌های مردمی و تا آمادگی‌ها و بسیج نظامی، همه چیز در این اجتماع هفتگی مستمر پشت سر هم تحقق پیدا میکند و وجود پیدا میکند؛ یعنی میتواند وجود پیدا کند. یک ظرفیت به این اهمیت و این عظمت در این کار وجود دارد. بنابراین، این یک گنجینه‌ی عظیمی است، یک فرصت فوق‌العاده‌ای است که در اختیار من و شما قرار داده شده.

یک خصوصیت دیگری که در نماز جمعه هست عبارت است از آمیختگی معنویت و سیاست؛ چیزی که برای اهل دنیا و افرادی که در امور تأمل ندارند خیلی امر مستبعدی (۱۲) است. سیاست کجا، معنویت و خداواری کجا؟ سیاست مبانی‌ای دارد که به حسب ظاهر، همه‌ی این مبانی با توجه به خدا و مانند اینها یا منافی است یا مغایر است. آن وقت سیاست را با معنویت مخلوط کردن در یک فریضه، این دیگر هنر اسلام است؛ این هنر اسلام است. در آن روایت حضرت رضا (سلام الله علیه) [آمده که] خطیب جمعه «يُخَيِّرُهُمْ يَمَّا وَرَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْآفَاقِ وَمِنَ الْأَهْوَالِ الَّتِي لَهُمْ فِيهَا الْمَضَرَّةُ وَالْمَنْفَعَةُ»؛ (۱۳) هائل [یعنی] یک امر مهم و بزرگ؛ مسائلی که در عالم می‌گذرد که یک میسای (۱۴) با جامعه‌ی ما دارد، یا به عنوان ضرر یا به عنوان نفع، [خطیب جمعه] اینها را برای مردم بیان میکند. فرض بفرمایید حالا من باب مثال مسئله‌ی هسته‌ای، یا فرض کنید جنگ اوکراین – یک مسئله‌ای است دیگر؛ در دنیا وارد شده – یا مسائل گوناگون سیاستهای شرق و غرب، اینها یک چیزهایی است که با کشور ما، با جامعه‌ی ما، با زندگی ما و سیاست ما دارای میساست است؛ خب اینها را خطیب جمعه برای مردم تبیین میکند، تشریح میکند، بیان میکند، درست، با اطلاعات کافی و صحیح؛ یعنی این سیاست را با معنویت [پیوند میزند]؛ هم میگوید «اتقوا الله» – حتماً بایستی امر به تقوا در خطبه‌ی نماز جمعه باشد – هم در عین حال سیاست را، این سیاست این جوری، سیاست بین‌المللی، آن لبّ مسائل سیاسی را برای مردم بیان میکند. این هم یک مسئله که [جزو] این خصوصیات است. عرض کردم، خصوصیات دیگری هم البته دارد که حالا من به اختصار برگزار کردم.

با این مجموعه‌ی خصوصیات وقتی که نگاه میکنیم، به این نتیجه میرسیم که در سلسله‌ی قدرت نرم نظام اسلامی، نماز جمعه یک حلقه‌ی بسیار مهم است، چون امروز آن چیزی که راه‌گشا است و تأثیرگذار است قدرت نرم است؛ قدرت سخت، تیر و تفنگ و مانند اینها، امروز در درجه‌ی بعد قرار گرفته. قدرت نرم، تأثیرگذاری بر دلها و ذهنها و روحیه‌ها، این مهم است. البته زنجیره‌ی قدرت نرم ما زنجیره‌ی طولانی و مفصلی است؛ نماز جمعه یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این زنجیره‌ی قدرت نرم محسوب میشود؛ وقتی این خصوصیات را نگاه میکنیم، به این نتیجه میرسیم.

خب حالا آیا ما توانسته‌ایم در جمهوری اسلامی نماز جمعه را در این جایگاه رفیع بنشانیم یا نه؟ به نظرم می‌آید که کوتاهی‌هایی داشته‌ایم. حالا خود من هم که میدانید با شما همکارم در این زمینه؛ ما کوتاهی‌هایی داشته‌ایم در این زمینه. باید همت کنید، همه‌ی ما همت کنیم، این کوتاهی‌ها برطرف بشود. عرض کردیم بعضی‌اش به عهده‌ی خود ائمه‌ی جمعه است، بعضی‌اش به عهده‌ی مسئولین مدیریت کلان ائمه‌ی جمعه است؛ بایستی به این توجه کنیم.

حالا در مورد ائمه‌ی جمعه هم که گفتیم «بعضی به عهده‌ی خود ائمه‌ی جمعه است»، بعضی از چیزها مربوط به منش امام جمعه است؛ بعضی از این خصوصیات که باید رعایت بشود تا نماز جمعه در جایگاه خودش بنشیند،



مربوط به منش و روش و شیوهی زندگی امام جمعه است که حالا من دو سه موردش را عرض میکنم. بعضی چیزها [هم] مربوط به خطبه‌ها است؛ بحثی در روش و منش و مانند اینها ندارد؛ محتوای خطبه‌ها میتواند جوری باشد که نماز جمعه را برگرداند به آن مسیر واقعی خودش.

اما در مورد آنچه مربوط به روش امام جمعه است. ببینید برادران عزیز، آقایان محترم! امام جمعه در روز جمعه مردم را امر به تقوا میکند با گفتار خود، من میگویم شما در روز شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه مردم را امر به تقوا کنید با رفتار خود؛ و الا اگر ما روز جمعه دعوت به تقوا کردیم اما روز شنبه یک عملی از ما سر زد که این با تقوا سازگار نیست، این اصلاً بکلی باطل میکند؛ یعنی نه حالا فقط باطل میکند، اصلاً یک اثر بعکس دارد؛ مستمع را سر لج می‌آورد که اینها چه دارند میگویند؛ کمترین کاری که ممکن است بکند این است که دیگر نیاید نماز؛ این کمترین کاری است که میتواند بکند، از این بیشتر هم کارهایی میکنند. پس بنابراین، یک مسئله این است. امر به تقوا بایستی در امر تحصیل تقوا در خود کوشنده باشد. ببینید، من مراجعه کردم به معجم‌المفهرس - من حالا متأسفانه مجال این کارها را ندارم؛ سابقها این کارها را با دقت [انجام میدادم]، حالا دیگر فرصت نیست، یک مروری کردم - دیدم حدود شصت بار کلمه‌ی «اتقوا» در قرآن هست؛ حدود شصت مرتبه خدای متعال به من و شما میگوید «اتقوا»، لکن دو تا از این شصت مورد تکان‌دهنده است. یکی آنجایی که در سوره‌ی آل عمران میفرماید «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»؛ (۱۵) تقوا پیشه کنید، آن چنان که شایسته‌ی تقوا است. این خیلی کار بزرگی است. یکی هم آنجایی که در سوره‌ی تغابن میفرماید «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ (۱۶) این «ما استطعتم» را حمل بر این نکنید که حالا هر چه توانستید؛ نه، یعنی همه‌ی استطاعت خودتان را به کار ببرید، همه‌ی امکان خودتان را به کار ببرید برای تقوا. خب اینها را ما میدانیم، اینها را میگوییم؛ خدا ان شاء الله دل ما را آماده کند، نرم کند، بتوانیم عمل کنیم به این چیزها. «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ». پس بنابراین، این نکته‌ی اول: ما که امر به تقوا میکنیم در خطبه‌ی نماز جمعه، بایستی در مورد رعایت تقوا حداکثر تلاشمان را بکنیم، هر چه میتوانیم؛ از موارد شبهه اجتناب کنیم، «وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى» (۱۷) کنیم و از این قبیل چیزهایی که حالا الی‌ما شاء الله هست. این یک خصوصیت که معتقدم در وظایف ما امام جمعه‌ها این معنا وجود دارد.

دوم، رفتار پدرانه‌ی با همه است. در نماز جمعه‌ی شما همه جور آدمی شرکت میکنند؛ با همه شما پدرانه رفتار کنید، همه فرزندان شما هستند. بله، ممکن است شما به آن جوان انقلابی، جوان مجاهد و جهادگر، علاقه‌ی بیشتری داشته باشید - حق هم همین است، عیبی ندارد - اما آن کسی هم که این جوری نیست، او هم پسر شما است، او هم فرزند شما است؛ با همه. انسان در داخل خانه‌ی خودش هم ممکن است یک وقت به یکی از بچه‌ها به یک دلیلی علاقه‌ی بیشتری داشته باشد، اما نباید پدری خودش را از دیگران سلب بکند. رفتار پدرانه با همه؛ همه‌ی آنها فرزند شما هستند. این جشن غدیر در تهران (۱۸) خیلی چیز عجیبی بود! نمیدانم شما دیدید یا خیر؛ من خودم در تلویزیون نگاه کردم دیدم؛ بعضی‌ها هم که رفته بودند، آمدند برای ما تعریف کردند. دیدید چه جوری در این جشن میلیونی، همه جور آدمی شرکت کردند؟ اینها طرفدار دینند، اینها دوست دارند دین را. بنده یک وقتی در یکی از این سفرهای استانی به جمع علمای محترم آن استان که جلسه داشتیم با آنها، گفتم؛ گفتم امروز یا دیروز که من می‌آمدم، دُور و بُر این ماشین، بین اینهایی که اظهار محبت میکردند و بعضی‌هایشان گریه میکردند - خب جمعیتی می‌آیند اظهار محبت میکنند - کسانی بودند که اگر شما مثلاً با آنها برخورد کنید ممکن است احتمال ندهید که اعتقاد به دین هم حتی داشته باشند، اما این جوری است؛ معتقدند به دین. من حالا در این زمینه حرفهای زیادی دارم و گفته‌ام؛ حالا دیگر مجالش الان اینجا نیست. با همه پدرانه رفتار کنید، همه را سر سفره‌ی دین و معنویت و شریعت بنشانید؛ این هم یک مطلب.

یک مطلب دیگر [اینکه] رفتار امام جمعه باید مردمی باشد؛ سلوک مردمی. «سلوک مردمی» چیست؟ این است که



شما به عنوان یک فردی از مردم بروید بین مردم، با آنها حرف بزنید، از مردم فاصله نگیرید، فقط با یک جمع مخصوص و ممتازی نشست و برخاست نکنید و گاهی [اگر] لازم شد، خانه‌های مردم بروید، زیر سقفشان و روی فرششان بنشینید، با آنها احوالپرسی کنید. صرف این رفتن میان مردم، خود این یک کار مهم است. اینکه حالا بعضی‌ها درباره‌ی بازدیدهای مردمی بسیار باارزش مسئولین یک تعبیرات نامناسبی میکنند، این غلط است، این حقیقتاً انحراف است. رفتن بین مردم، حرف زدن با مردم، گوش کردن به مردم [اهمیت دارد]. ممکن است آن حرفی را که او میزند شما قبول هم نداشته باشید؛ اما گوش کنید. عیبی هم ندارد که بعد بگویید خب من این را قبول ندارم؛ ایرادی ندارد، اما بگذارید بگوید. این هم یک موضوع که مسئله‌ی رفتن به [میان] مردم است. البته مردم می‌آیند توقعاتی از امام جمعه مطرح میکنند که مسئولش امام جمعه نیست، مسئولش فلان دستگاه دولتی است، فلان دستگاه قضائی است؛ به جای اینکه به آنجا مراجعه کنند، به امام جمعه که دم دستشان است مراجعه میکنند؛ البته این هست، میدانم، بنده خودم هم بوده‌ام، دیده‌ام، مشکل درست میکند برای امام جمعه؛ اما باید گفت به مردم که خب اینها کارهای ما نیست، مثلاً مسئولین مشخصی دارد؛ اما در عین حال اگر مراجعه شد، گوش کنند. حالا البته این را هم حتماً بگوییم که شبکه‌ی امامت جمعه تا امروز جزو مردمی‌ترین نهادهای انقلاب است؛ این هم معلوم باشد؛ یعنی باز وقتی انسان نگاه میکند به مجموعه‌ی نهادهای انقلابی – که خب بحمدالله برکاتشان زیاد است – یکی از مردمی‌ترین شبکه‌های انقلابی شبکه‌ی ائمه‌ی جمعه است.

یک توصیه‌ی دیگری که خیلی مهم است، ارتباط با جوانها است. برای این کار باید بنشینید ساز و کار فراهم کنید؛ یعنی ارتباط با جوانها این جوری نمیشود که بگویید جوانها بیایید، آنها هم بلند شوند بیایند! باید بنشینید فکر کنید راهکار پیدا کنید، ساز و کار باید پیدا کنید. امروز در سرتاسر کشور، مجموعه‌های خودجوش و گمنام و کم‌هزینه و بی‌ادعائی وجود دارند که کار فرهنگی میکنند، کار اجتماعی میکنند، خدمات ارائه میدهند، همه جای کشور هستند. بنده چون علاقه‌ی به این مجموعه‌ها دارم – گاهی تماس میگیرند یک چیزی میگویند، یک چیزی میخواهند – میدانم الان سرتاسر کشور و تقریباً در همه‌ی شهرها، شهرهای بزرگ، کوچک، مجموعه‌های این جوری وجود دارند؛ اینها را در شهر خودتان جستجو کنید، پیدا کنید، به آنها کمک کنید، دست نوازش به سرشان بکشید؛ اینها یک مجموعه‌ی جوانند. با جوان دانشجو، با جوان حوزوی – امروز در اغلب شهرهای ما، هم دانشگاه هست، هم حوزه‌ی علمیه هست؛ خب همه‌ی اینها جوانند دیگر – با این جوانها بنشینید صحبت کنید، بروید داخل مجموعه‌هایشان، بروید در مدرسه‌شان، در دانشگاهشان، با آنها حرف بزنید، آنها را دعوت کنید؛ یعنی ارتباط با جوانها برای خود امام جمعه هم مفید است و فایده‌ی معنوی دارد؛ چون نسلها طبعاً زبان جدید و فکر جدید و ادبیات جدیدی معمولاً تولید میکنند – طبیعت قضیه این است – دور نمانید از این حرکت جدید جوانها. وقتی رفتید داخل اینها و با اینها انس پیدا کردید، با زبان اینها، با ادبیات اینها، با اصطلاحات اینها بیشتر آشنا میشوید؛ این خیلی کمک میکند به شما برای ارتباط‌گیری با اینها. بخصوص با مجموعه‌های بسیجی، با این بچه‌های خوب که در همه‌ی استانها و در همه‌ی شهرها هستند، نشست و برخاست کنید.

یک جهت دیگر که توصیه‌ی ما است، شرکت در خدمات اجتماعی مردمی است که خب بعضی از ائمه‌ی محترم جمعه انصافاً در این زمینه‌ها خوب درخشیدند. در زلزله، در سیل، در قضیه‌ی کرونا، در جمع کردن خدمات اجتماعی، کمکهای مردمی، کمکهای مؤمنانه، در مسائل گوناگون دیگر، ائمه‌ی جمعه وارد میدان شدند و کار کردند. این هم یکی از آن کارهایی است که به نظر ما خیلی خوب است. کمک به طبقات محروم و کمک به مستضعفان و محرومان جزو کارهای لازم شما باشد؛ یعنی ما طرفدار عدالتیم، پرچم عدالت را بلند میکنیم، لکن عدالت بدون کمک و رسیدگی به طبقه‌ی مستضعف و محروم و مانند اینها معنا ندارد؛ اگر شما بتوانید کمکی را برای طبقات محروم در آن مجموعه‌ی خودتان فراهم کنید، این جزو بهترین کارها است.





یک نکته‌ی دیگر نظارت بر این ستادها است. البته من از ستادها واقعاً باید تشکر کنم؛ این ستادهای نماز جمعه در سرتاسر کشور خیلی زحمت میکشند، خیلی کار میکنند، خیلی تلاش میکنند. با اینها همراه باشید و کارهایشان را ببینید، کارهایشان را نظارت کنید و از سلامت اینها خاطرجمع بشوید. البته خوب، مؤمن، لکن حالا بالاخره همه جا یک چیزهایی ممکن است موریانه وار دخالت بکند؛ مراقب این هم باشید.

یک نکته‌ی دیگر و تذکر دیگری که بنده بارها قبلاً هم گفته‌ام این را، [این است که] از ورود در فعالیتهای اقتصادی اجتناب کنید؛ اینکه امام جمعه به این مناسبت که «نماز جمعه‌ی ما به پول احتیاج دارد، به درآمد احتیاج دارد، درآمدی نداریم»، پس بایستی مثلاً فلان فعالیت اقتصادی را داشته باشد، فکر درستی نیست. بعضی از آقایان محترم ائمه‌ی جمعه وارد فعالیت اقتصادی شدند و بلد نبودند، شکست خوردند، دیگران سوء استفاده کردند، وزر و وبالش به گردن نظام ماند، بعضی‌ها هنوز هم ادامه دارد! مطلقاً وارد مسائل اقتصادی نشوید. اداره‌ی تشکیلات روحانیت با مردم است. آقایان! بعضی‌ها ننگشان میکند که بگویند حوزه‌های علمیه از مردم ارتزاق میکنند؛ این ننگ نیست، این افتخار است؛ این یعنی احتیاج به دولتها و به قدرتها ندارند. این یک امتیاز بزرگی است، لذا راحت میتوانند کنار مردم بایستند. شما ببینید در قضایای مختلف، حوزه‌های علمیه در کنار مردم قرار گرفتند، کنار مردم ماندند، با دولتها و قدرتها رودربایستی نداشتند. اگر در بین روحانیون کسانی بودند که در یک موقوفه‌ای یا در یک جایی ارتباط داشتند، نتوانستند [کنار مردم بایستند] و عقب ماندند. نه، ما مرتزقه‌ی (۱۹) مردم هستیم، هیچ اشکالی هم ندارد. نماز جمعه هم همین جور است؛ مردم باید کمک کنند و کمک هم میکنند. وقتی شما فعالیت اقتصادی میکنید و دکان درست میکنید و کارهایی مانند اینها، مردم میگویند «خب، اینها که دارند»، نه فقط کمکتان نمیکند، از شما توقع هم پیدا میکنند. خب، حالا اینها چند نکته در مورد منش امام جمعه.

چند مورد هم در مورد خطبه‌ها عرض بکنیم. اولاً توجه بشود که خطبه‌ی نماز جمعه و خطیب جمعه سخنگوی انقلاب اسلامی است؛ تمام! هیچ کسی غیر از این توقع از خطیب جمعه نباید داشته باشد؛ سخنگوی انقلاب اسلامی است، تبیین‌کننده‌ی مبانی انقلاب است، مطالبه‌کننده‌ی مطالبات انقلاب است، مال انقلاب است؛ همیشه هم همین جور بوده، در طول تاریخ هم همین جور بوده. هنر بزرگ خطیب جمعه این است که بتواند مفاهیم معرفتی و مفاهیم انقلابی را متناسب با نیازهای روز بازتولید کند. خیلی از مفاهیم انقلاب هست که ما یک روز شعارش را دادیم، دنبالش هم بودیم و هستیم، اما امروز همان مفاهیم باید با ادبیات جدید، با ادبیات مناسب امروز، تبیین بشود و بازتولید بشود. هنر امام جمعه این است که بتواند مسئله‌ی عدالت را، مسئله‌ی استقلال را، مسئله‌ی حمایت از مستضعفین را، مسئله‌ی پیروی از شریعت را، این چیزهایی را که جزو اصول و مبانی انقلاب است، این مفاهیم عالی را بتواند بازتولید کند با زبان امروز و با زبان نسل جوان؛ سخنگوی انقلاب.

خطبه‌ها بایستی پُر مغز باشد، آموزنده باشد، پاسخ به سؤالات مردم باشد. سؤالاتی وجود دارد که در خطبه بدون اینکه شما اشاره کنید به سؤال، میتوانید پاسخ آن سؤالی را که در ذهن مردم هست بیان کنید.

ادبیات خطبه باید گرم باشد، صمیمی باشد، اتحادآفرین باشد، امیدبخش باشد؛ ادبیات خطبه باید امیدبخش باشد. هر کلمه‌ای که شما در خطبه ایراد میکنید میتواند مصداق این آیه‌ی شریفه باشد که «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، (۲۰) میتواند هم مصداق اضطراب و دغدغه باشد؛ حالا دغدغه بد نیست، اما میتواند مصداق اضطراب و تلاطم روحی و بدبینی به وضع و بدبینی به آینده و مانند اینها باشد؛ هر دو جور میشود حرف زد. باید امیدآفرین باشد، بصیرت‌آفرین باشد. میتواند هم حاشیه‌ساز باشد؛ یک چیزی ما بگوییم که مستمسکی بشود برای دشمن شما و معاند شما که آن را دست بگیرد و علیه شما حرف بزند.



یکی از نکات در خطبه‌ها این است که بتواند با شبهه‌پراکنی‌های دائمی دشمن مقابله کند. ببینید، عرض کردم امروز میدان رزم میدان رزم قدرت نرم است و قدرت نرم دشمن شبهه‌پراکنی است. «شبهه‌پراکنی» یعنی چه؟ یعنی ما یک ملتی داریم که این ملت آمدند با اعتقاد و ایمان کامل پای انقلاب ایستادند، جان دادند، زحمت کشیدند، خودشان را به زحمت انداختند، انقلاب را به پیروزی رساندند، بعد هشت سال در یک جنگ تحمیلی ایستادگی کردند، بعد هم در مقابل فتنه‌هایی که تا امروز وجود داشته ایستاده‌اند، هر جا لازم بوده حضور پیدا کرده‌اند؛ مردم این جوری هستند دیگر؛ خب حالا اگر چنانچه دشمن بخواهد این دژ مستحکم را از بین ببرد یا رخنه در آن ایجاد کند، باید چه کار کند؟ باید در این ایمان خدشه کند، باید در این ایمان مناقشه کند؛ این با شبهه‌افکنی به وجود می‌آید. شبهه را دست‌کم نباید گرفت. بودند افرادی که در مقابل نیزه و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه و تردید زمین افتادند، نتوانستند بایستند؛ دیدیم ما افراد این جوری را. در میدانهای نبرد با قدرت، با شجاعت ایستادگی کردند اما یک شبهه‌ای برایشان پیش آمد، نتوانستند حل کنند، زمین خوردند؛ شبهه این جوری است.

هدف از این شبهه‌پراکنی هم این است که مردم را که نیروهای اصلی کشورند و ایمان مردم را که عامل اصلی در حفظ کشور و حفظ نظام اسلامی است، متزلزل کنند. خب اینها از روی دشمنی است دیگر؛ یعنی جمهوری اسلامی کار بزرگی کرده در مقابل غرب. حالا این چیزها یک چیزهایی است که گاهی گفته میشود، تکرار میشود و از دهن می‌افتد؛ یعنی درست به مغز و محتوای مطلب توجه نمیشود؛ گاهی هم با بیان خوبی گفته نمیشود اما یک واقعیت عجیبی وجود دارد: [اینکه] جمهوری اسلامی داعیه‌ی دویست سیصد ساله‌ی غرب را با حضور خودش و وجود خودش باطل کرده.

نقطه‌ی مرکزی هویت تمدن غربی عبارت است از تفکیک میان دین و پیشرفت؛ این نقطه‌ی مرکزی است: اگر میخواهید پیشرفت کنید، دین را باید کنار بگذارید؛ حالا [به طور] شخصی یک اعتقادی داشته باشید اشکال ندارد، اما دین را در مسائل زندگی نباید دخالت بدهید، اگر میخواهید پیشرفت کنید؛ این نقطه‌ی اساسی و مرکزی هویت تمدن غربی است. جمهوری اسلامی درست نشانه گرفته همین مرکز را و شلیک کرده و به هدف زده.

جمهوری اسلامی با شعار دین وارد میدان شده، علاوه بر اینکه توانسته خودش را حفظ کند، توانسته رشد کند، توانسته این منطق را منتشر کند، توانسته ریشه‌دار کند؛ ۱ لم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طيبة کشجرة طيبة؛ (۲۱) همین آیه‌ای که تلاوت کردند. جمهوری اسلامی با وجود خودش، با حضور خودش ابطال کرده، به چالش کشیده هویت مرکزی تمدن غربی را. خب عصبانی‌اند دیگر؛ اینها عصبانی‌اند. حقیقت قدرتهای غربی یک مافیا است که در رأس این مافیا صهیونیست‌ها و تجار برجسته‌ی یهودی و سیاستمداران تابع اینها هستند، آمریکا هم ویتترین‌شان است و همه جا پخشند؛ قدرت غربی این است؛ خب این نمیتواند تحمل کند این را. هر روز به فکر این است که یک کاری بکند، یک ضربه‌ای بزند به جمهوری اسلامی.

من یک مثال بزنم که حالا این روزها هم مطرح است: مسئله‌ی زن در جامعه‌ی اسلامی. البته از اول انقلاب مسئله‌ی زن را مطرح میکردند؛ ادعای گزاف میکردند که از زن ایرانی میخواهند حمایت کنند و مانند اینها. باز اخیراً هم به بهانه‌ی حجاب و مانند اینها باز قضیه‌ی زن را مطرح کردند و همان تلاشهای در واقع ناکام را دوباره دارند تکرار میکنند. خب، حالا یک وقتی چند سال قبل در یک جمع یک نفر از من پرسید که شما در قضیه‌ی زن در مقابل غرب چه دفاعی دارید؟ من گفتم من دفاع ندارم، من حمله دارم! آنها باید دفاع کنند، آنها باید جواب بدهند. زن را تبدیل به کالا کردند. دفاع؟ من دفاع نمیکنم. ما مدعی هستیم در قضیه‌ی زن. خب حالا مسئله چیست؟ اینکه شما می‌بینید ناگهان وسایل تبلیغاتی و رسانه‌های رسمی و دولتی آمریکا و انگلیس و بعضی جاهای دیگر و مزدورانشان و دنباله‌روانشان ناگهان هجوم می‌آورند در یک برهه‌ای سر قضیه‌ی زن و یک بهانه‌ای هم پیدا میکنند [مثل] مسئله‌ی



حجاب و مانند این چیزها، علتش چیست؟ چرا این کار را میکنند؟ آیا اینها واقعاً میخواهند از حقوق زن، و زن ایرانی دفاع کنند؟ اینها مگر همان کسانی نیستند که اگر میتوانستند آب را به روی این ملت ببندند می‌بستند؟ اینها دلشان برای زن ایرانی سوخته؟ اینها داروی کودکانی را که دارای بیماری پروانه‌ای هستند – کودکان – ممنوع کردند، تحریم کردند؛ تحریم همه‌جانبه‌ی ملت ایران. اینها دلسوز زن ایرانی‌اند؟ کسی ممکن است این را باور کند؟

پس قضیه چیست؟ حقیقت مسئله این است که زن باشرف و بااستعداد ایرانی یکی از بزرگترین ضربه‌ها را به تمدن غرب زده. اینها دلشان پُر است؛ [این کار را] زنها کردند. غیر از مجموع حرکت جمهوری اسلامی، بخصوص زن ایرانی یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها را به داعیه‌های غربی و دروغ‌های غربی وارد کرده. چطور؟ اینها سالها است – دویست سال است – که میگویند زن اگر چنانچه از قیود اخلاقی و شرعی و مانند این چیزها رها نشود نمیتواند پیشرفت کند، نمیتواند به مقامات عالی علمی و سیاسی و اجتماعی و غیره برسد؛ این جوری دارند میگویند. شرط رسیدن زن به رتبه‌های بالای اجتماعی و سیاسی و غیره این است که این قیود اخلاقی را رها کند.

زن ایرانی این را در عمل تکذیب کرده؛ زن ایرانی در همه‌ی میدانها با موفقیت و سربلندی و با حجاب اسلامی ظاهر شده. اینها رجزخوانی نیست، اینها واقعیتهای محسوس جامعه‌ی ما است. ورودی‌های دانشگاه‌های ما یا پنجاه درصد یا بیش از پنجاه درصد دخترهای ما هستند، زنهای ما هستند. در مراکز علمی حساس و مهم که بنده از بعضی از آن مراکز خودم شخصاً بازدید کردم، زنان دانشمند ما آنجا نقش‌آفرینند. در میدان ادب، ادبیات، شعر، رمان، شرح‌حال‌نویسی، زنها جزو برجسته‌ترین‌هایند. در میدان مسابقات ورزشی – واقعاً گاهی انسان قدرت تحسین این شخصیت‌ها را ندارد به اندازه‌ای که شایسته‌ی آن هستند – دختر ایرانی روی سکوی اول مسابقات ایستاده، پرچم و سرود ملی ایران را در مقابل چشم صدها میلیون تماشاچی تلویزیون‌های دنیا بالا برده، باحجاب است، با آن مردی که می‌آید به او مدال بدهد دست نمیدهد، یعنی حدّ شرعی را رعایت میکند؛ این چیز کمی است؟ در میدان سیاسی، من یک مورد را ذکر میکنم. زمان شوروی سابق، در یکی از مهم‌ترین پیام‌بری‌های سیاسی (۲۲) بین دو کشور، امام یک هیئت سه‌نفره فرستادند که یکی‌شان زن بود؛ (۲۳) یک زن قدرتمند که رحمت خدا بر او بادا در مسئولیتهای مدیریت کشوری، زنان ما با حجاب، با چادر، بهترین مدیریتها را در آن بخش خودشان انجام دادند. در مسائل علمی، در مسائل ادبی، در مجریان صداوسیما، بهترین مجریان. در میدانهای مختلف، زن ایرانی حضور پیدا کرده، در بالاترین سطوح قرار گرفته، با حجاب اسلامی، با رعایت حجاب؛ این خیلی چیز مهمی است. این باطل‌کننده‌ی یک زحمت و تلاش دویست سیصد ساله‌ی غرب است؛ نمیتوانند تحمل کنند، عصبانی میشوند، خودشان را به در و دیوار میزنند تا بتوانند یک کاری بکنند؛ آن وقت میچسبند به قضیه‌ی حجاب، میچسبند به یک مورد و بنا میکنند تبلیغات کردن. ببینید، عامل این شبهه‌افکنی‌ها این است و تظاهر دشمن هم آن است که مشاهده میکنید و می‌بینید. به هر حال، اینها چیزهای مهمی است.

آن طور که به ما گزارش دادند، در این هفته در خیلی از خطبه‌های نماز جمعه مسئله‌ی حجاب مطرح شد؛ همین مسائل جاری روز که در فضای مجازی و مانند اینها هم هست، در بعضی روزنامه‌ها هم هست، در خیلی از خطبه‌ها هم مطرح شد. خب، در این زمینه‌ها خیلی باید متین، منطقی و دور از احساسات بی‌مورد برخورد کرد. حالا احساسات چیز خوبی است، چیز بدی نیست، اما اعمال احساسات جا دارد. بالاخره شما در این جور موارد، آن منطق استعماری غربی را که آتش‌بیار معرکه است و دست او مشغول کار است، افشا کنید؛ آن را افشا کنید، آن را با دلایل روشن برای مردم تبیین کنید. حالا غربی‌ها، هم در سطوح رسانه‌های بزرگ دولتی‌شان، هم این پادوهای حقیرشان، کارهایی میکنند؛ عیبی ندارد، شما با اینها روبه‌رو نشوید، با اینها مواجه نشوید؛ شما اصل مطلب را بر تبیین برای مردم [بگذارید]. البته این توصیه‌ی کلی است؛ اینکه عرض کردیم با متانت برخورد بشود و دچار زیاده‌روی نشویم، در خیلی از موارد دیگر هم هست؛ یک ناهنجاری‌ای هست که امام جمعه به هر دلیلی لازم میدانند این را مطرح کند؛ خب،





شناخت از وضعیت شهر و مردم و ذهن و مانند اینها او را به این نتیجه میرساند، اشکالی ندارد؛ منتها کیفیت طرح باید کیفیت مناسب جایگاه امام جمعه باشد؛ یعنی هم اتقان، هم متانت.

جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم میکند. البته اینکه گفتم «بعضی‌ها در مقابل تیر و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه نتوانستند بایستند»، در این یک مقداری هم دنیاطلبی نقش دارد؛ این را هم نباید از نظر دور داشت. دنیا چیست؟ دنیای هر کسی فرق میکند؛ یکی دنیایش مال است، یکی دنیایش مقام است، یکی دنیایش شهوات جنسی است؛ اینها دنیاهای افراد مختلف است، اینها همه دنیا است. ممکن است توجیه هم درست کند برای خودش در این دنیاطلبی، اما دنیاطلبی است دیگر؛ اینها هم تأثیر دارد.

پس بنابراین، درباره‌ی خطبه عرض کردیم خطبه‌ی نماز جمعه باید مرکزی باشد برای تبیین محتوای قوی و منطق محکم و غنی برای مسائل مهم انقلاب، مثل مسئله‌ی عدالت. مسئله‌ی عدالت خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ روی مسئله‌ی عدالت فکر کنید، کار کنید، حرف بزنید. [همچنین] روی مسئله‌ی استقلال؛ استقلال خیلی مسئله‌ی مهمی است. مسئله‌ی حمایت از مستضعفان، مسئله‌ی اتحاد دنیای اسلام، اینها مسائل بسیار مهمی است. و به مردم بصیرت بدهید.

البته این حرفها و این عرایضی که عرض کردیم، در مورد سخنرانی‌های محرم هم که حالا در پیش است صادق است و [باید] جوری باشد که نتیجه‌اش را در اجتماع نماز جمعه ببینید؛ یعنی اگر آن کاری که شما میکنید کار موفقی باشد، بایست خودش را در اجتماع نماز جمعه‌ی شما نشان بدهد. اگر چنانچه دیدید این کارهایی که انجام دادید در جذب مخاطب تأثیری نداشته، بدانید یک نقصی در کار هست؛ نقص را پیدا کنید و نقص را برطرف کنید. نمیشود عدم توجه‌ها را مستند کرد به اینکه مردم مثلاً نسبت به مسائل دینی و مانند اینها کم اعتقادند؛ نخیر. بعضی‌ها میگویند از این حرفها! واقعاً به نظر میرسد فکر نکرده حرف میزنند که آقا مردم دینشان چنین شده، اعتقاداتشان ضعیف شده؛ نخیر، ابد! ضعیف نشده. شما همین مسئله‌ی جشن غدیر را ببینید، این جلسات سخنرانی‌های عظیم محرم و صفر را در شهرهای مختلف ببینید؛ اینهایی که شرکت میکنند چه کسانی هستند؟ اینها همین مردمندها هستند؟ جلسات مرثیه‌خوانی و روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی را ببینید، راه‌پیمایی اربعین را ببینید؛ اینها چه کسانی هستند؟ اینها همین مردمندها هستند. دین مردم، ایمان مردم، دین‌داری مردم ضعیف نشده، قوی‌تر هم شده، منتها ممکن است مثلاً جلسه‌ی این حقیر یا نماز این حقیر جوری باشد که نتوانم جذب کنم این مردم مؤمن را؛ این را به حساب بی‌دینی مردم نباید گذاشت. بعضی‌ها همین طور میگویند که آقا مردم چنین شدند یا مثلاً اعتقاداتشان ضعیف شده؛ نه، ضعیف نشده؛ مردم همچنان از قبل از انقلاب – ما قبل از انقلاب را دیدیم؛ حالا اغلب شماها ندیدید قبل از انقلاب را – هم اجتماعاتشان بهتر است، هم کمکهای مالی‌شان به حوزه‌های علمیّه بیشتر و چندین برابر است، هم حضورشان در خدمات اجتماعی دینی بیشتر و مهم‌تر است. مردم در میدانند؛ ما باید خودمان را از میدان کنار نکشیم.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، آنچه گفتیم و شنیدیم برای خودت و در راه خودت قرار بده، به ما اخلاص عنایت کن، آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! ما را عامل به گفته‌های خودمان قرار بده، روح مطهر امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) که این راه را به روی ما او باز کرد و روح مطهر شهدای عزیز ما را که در این راه مجاهدت کردند و سرمایه‌ی عمر خودشان را با خدا معامله کردند، با ارواح طیبه‌ی شهدای صدر اسلام و ائمه‌ی هدی (علیهم السّلام) محشور بفرما، ما را هم به آنها ملحق کن.



- (۱) در ابتدای این دیدار، حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری ( رئیس شورای سیاست گذاری ائمه ی جمعه) گزارشی ارائه کرد.
- (۲) سوره ی نحل، بخشی از آیه ی ۹۷ ؛ «... قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم ...»
- (۳) اشاره به اصطلاح «بلی الحق» در عرفان ؛ که به بُعد معنوی و حقیقت وجودی انسان و تمام ابعاد الهی او میپردازد.
- (۴) سوره ی جمعه، بخشی از آیه ی ۹ ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، به سوی ذکر خدا بشتابید ...»
- (۵) سوره ی رعد، بخشی از آیه ی ۲۸ ؛ «... آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد.»
- (۶) سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۰۳ ؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید ...»
- (۷) سوره ی ذاریات، بخشی از آیه ی ۵۵ ؛ «... مؤمنان را پند سود بخشد.»
- (۸) سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۱۵۲ ؛ « پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم. ...»
- (۹) از جمله سوره ی انفال، بخشی از آیه ی ۴۵ و سوره ی جمعه، بخشی از آیه ی ۱۰ ؛ « ... و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.»
- (۱۰) همراه، ملازم
- (۱۱) مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۴۹
- (۱۲) بعید، دور از واقعیت
- (۱۳) وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۴
- (۱۴) ارتباط، تماس
- (۱۵) سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۰۲
- (۱۶) سوره ی تغابن، بخشی از آیه ی ۱۶
- (۱۷) سوره ی نازعات، بخشی از آیه ی ۴۰ ؛ «... و نفس [خود] را از هوس، بازداشت.»
- (۱۸) اشاره به جشن مردمی عید غدیر در خیابان ولی عصر تهران که در قالب راه پیمایی ده کیلومتری از چهارراه ولی عصر تا چهارراه پارک وی با حضور بیش از سه میلیون نفر از مردم برگزار شد.
- (۱۹) آنان که وجه ارتزاق دریافت میکنند.
- (۲۰) سوره ی فتح، بخشی از آیه ی ۴ ؛ «او است آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فروفرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. ...»
- (۲۱) سوره ی ابراهیم، بخشی از آیه ی ۲۴ ؛ «آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است ...»
- (۲۲) تحویل نامه ی تاریخی امام خمینی ( قدس سرّه الشریف) به میخائیل گورباچف ( آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی)
- (۲۳) خانم مرضیه ی حدیده چی دباغ